

مناسبات علمای هند با حج و حرمین شریفین

حافظ نجفی*

چکیده

مکه و مدینه، در مقام خاستگاه وحی و مقدس‌ترین مکان‌های عبادتی - زیارتی، در طول تاریخ محل رجوع مسلمانان از مذاهب مختلف بوده است. در این مقاله، ارتباطات و مناسبات علمای شیعه و سنی هندوستان با حرمین شریفین، که در قالب سفر برای انجام مناسک حج و عمره، زیارت پیامبر ﷺ و بهره‌گیری از اندیشمندان ساکن در آن دو مکان مقدس صورت می‌گرفته، بررسی شده و نتایج این سفرها نیز روشن گردیده است. همچنین در این نوشته، متون تاریخی و برخی سفرنامه‌ها، به ویژه تاریخ علمای هند بررسی خواهد شد و آن دسته از عالمان دیار هندوستان که موفق به سفر مکه و مدینه شده‌اند، شناسایی گردیده و چگونگی سفر و دستاوردهای آنها از این سفرها، مورد ارزیابی قرار گرفته است. مقاله حاضر، به روش توصیفی - تحلیلی است و گردآوری آن، به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از نرم‌افزارها انجام شده است.

نتیجه پژوهش، حاکی از آن است که بیشتر عالمان صاحب‌نام و اثرگذار هندوستان، با وجود گرایش‌های مختلف فکری و اعتقادی، بر خود لازم می‌دانستند افزون بر انجام دادن حج و زیارت و کسب فواید معنوی، برای شنیدن احادیث نبوی ﷺ و به دست آوردن اسناد معتبر احادیث و همچنین دیگر بهره‌های علمی، در طول دوران زندگی

خود، یک یا چند نوبت به مکه و مدینه سفر کنند و از خرمن دانش عالمان سرزمین وحی بهره‌مند شوند. بیشتر افراد مورد بررسی در این تحقیق (بازه زمانی قرن ۷ تا ۱۴ ق)، موفق به دریافت اجازه نقل روایت و کسب مقام خلافت و ارشاد مردم، از استادان و عالمان مستقر در حرمین شریفین شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: حرمین شریفین، علمای هند، حج و زیارت، مناسبات.

مکه مکرمه، به‌عنوان امّ القری (مادر شهرها)، (انعام: ۹۲) این شرافت را یافته است که کعبه - نخستین خانه خدا - (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ) (آل عمران: ۹۶) در آن قرار داده شود و این شهر و محدوده حرم در اطراف آن، از امنیت برخوردار گردد (بقره: ۱۲۶؛ تین: ۳) و نعمت‌های الهی به سوی ساکنان آن سرازیر شود. (بقره: ۱۲۶؛ قصص: ۵۷)؛ از این رو، قلب میلیون‌ها مسلمان در سراسر جهان، به این سرزمین معطوف شده (ابراهیم: ۳۷) و آرزوی سفر به این شهر را دارند تا از منافع مادی و معنوی آن بهره‌مند شوند؛ ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ (حج: ۲۸). در همین راستا سفر حج بر توانگران واجب گردیده است (آل عمران: ۹۷) و امام علی علیه السلام نیز بر حضور در مکه سفارش اکید کرده‌اند؛ «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَحْلُوهُ مَا بَقِيتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَاطِرُوا» (شریف رضی، نامه ۴۷). مدینه منوره که مسجدالنبی و قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و مزار تعدادی از ائمه علیهم السلام، شهدا و اصحاب را در خود جای داده، حرم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نام گرفته (ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۸۲؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۳۵۶) و ایمن از همه آفات و بدی‌ها، معرفی شده است (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۰۰۳؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۳۲۴). بر پایه روایاتی، سفر برای زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله امری ضروری است و نرفتن به زیارتش جفا به حضرتش می‌باشد (شیخ صدوق، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۶۰).

از سوی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام خاتم الانبیا، کسب دانش و معرفت را از فرایض دینی قلمداد کردند «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (ابن ماجه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۸۱؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۱۹۵) و ضمن تأکید بر رشد علمی و فکری پیروانشان جویندگان دانش را برتر از دیگران دانستند و فرمودند: «من برای آموختن علم، فرستاده

شده ام»؛ «... هُوَ لَأَفْضَلُ، بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ» (شهید ثانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۰۶؛ مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۶). بر همین اساس، مکه و مدینه در مقام خاستگاه وحی و محل گسترش علوم و معارف اسلامی، همواره محور و مرکز تبادل افکار در مسائل علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای مسلمانان بوده است. در این مقاله، چگونگی مناسبات علمای هند با حج و حرمین شریفین، مورد بررسی قرار می‌گیرد و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که فعالیت‌های علمی - فرهنگی علمای هند و میزان بهره‌مندی آنان از فضاهای معنوی مکه و مدینه و دانشمندان ساکن در آن دو شهر، چگونه بوده و این ارتباطات چه نقشی در زندگی آنان داشته است. بر اساس استقصایی که صورت گرفت، اثر علمی مستقلی در موضوع مناسبات علمای هند با حرمین شریفین مشاهده نشد. البته در زمینه تاریخ علمای هند که به صورت ضمنی، سفر حج و زیارت آنان را نیز مطرح ساخته باشد، می‌توان به چند اثر اشاره کرد؛ مانند کتاب‌های «اخبار الاخیار فی اسرار الابرار»، نوشته عبدالحق دهلوی (درگذشت: ۱۰۵۲ق)، «سبحة المرجان فی آثار هندوستان» به قلم غلام علی آزاد حسینی (درگذشت: ۱۲۰۰ق)، «النور السافر عن اخبار القرن العاشر» نوشته عبدالقادر العیدرؤوس (زنده ۹۷۸ - ۱۰۳۸ق)، «عقیقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار» اثر میر حامد حسین حسینی (زنده ۱۲۴۶ - ۱۳۰۶ق)، «الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام» نگاشته حسنی طالبی (۱۴۲۰ق) و مقالات «از هندوستان تا حریم یار، اثر محمد علی مقدادی» و «مناسبات اصفهان و حجاز» نوشته رسول جعفریان.

در این آثار، بعد تاریخی و جایگاه علمی و فعالیت‌های گوناگون علمای هند، به صورت مطلق مطرح گردیده و به مناسبات علمای هند با حرمین شریفین، به صورت مشخص و تحلیلی پرداخته نشده است.

این مقاله با تشخیص ضرورت بررسی ارتباطات و مناسبات علمای هند با حرمین شریفین و با هدف تبیین چگونگی این مناسبات، فلسفه و اهداف سفرهای علما به مکه و مدینه، و تاثیری که علمای هند و حرمین شریفین بر یکدیگر داشتند، همچنین نقشی که این مناسبات در زندگی علمای هند داشته، به صورت توصیفی و تحلیلی به رشته تحریر در آمده است. همچنین در این مقاله، روشن شده است که علمای هند، افزون بر انجام دادن حج و زیارت، سفر به مکه و مدینه را برای نیل به مقامات والای علمی و دریافت اجازات حدیثی و طریقتی بر خود لازم می‌دانستند.

مناسبات علمای هند با حج و حرمین شریفین

از فرازهای مهم تاریخ عالمان هند، مناسبات (پیوستگی‌ها، علاقه‌ها و ارتباطات) (دهخدا، لغت‌نامه، ص ۱۹۰۴۱، ذیل واژه مناسبت) آنان با حرمین شریفین - مکه و مدینه - است. در این مقاله، به چگونگی و میزان ارتباطات و پیوندهای یک‌صد نفر از علمای هند با حرمین شریفین، و ره‌آورد و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی آنان، در بازه زمانی قرن هفتم تا چهاردهم هجری قمری، پرداخته شده است.

ویژگی‌های علمای مرتبط با حرمین شریفین

اندیشوران دیار هندوستان، که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از نظر گرایش مذهبی، اغلب حنفی می‌باشند؛ اما پانزده درصد آنان شیعه امامی و پنج درصد پیرو مذهب شافعی هستند. همچنین ۹۵ درصد از عالمان هندوستان، در سلک صوفیان قرار دارند که پس از تحصیل علم و کسب شایستگی‌های عملی، موفق به دریافت طریقت صوفیه شده‌اند. گفتنی است، شماری از آنان طریقت مورد نظر را در هند دریافت کرده‌اند؛ اما بیشترشان برای به دست آوردن این مقام، به مکه و مدینه و برخی، علاوه بر آن دو شهر، به مناطقی چون شام، عراق، مصر، یمن نیز سفر کرده‌اند. در تاریخ زندگی عده‌ای از آنان، گرایش به فرقه‌ای از تصوف مشخص نشده و فقط به دریافت طریقت صوفیه اشاره شده است؛ اما شمار بیشتری، دارای گرایش‌های فرقه‌ای مشخص بوده‌اند؛ مانند محمد بن عطای ناکوری (درگذشت: ۶۴۳ق)، و شیخ محمد بن منکن ملانوی (زنده ۹۳۷-۸۱۰ق)، از پیروان فرقه جشتیه، علی بن حسام‌الدین متقی برهانپوری (زنده ۹۷۵-۸۸۵ق)، پیرو فرقه قادریه، صبغة‌الله حسینی بروجی (درگذشت: ۱۰۱۵ق)، پیرو فرقه عشقیه شطاریه، محمد بن احمد حنفی نهروالی (زنده ۹۹۰-۹۱۷ق)، پیرو فرقه نقشبندیه، یعقوب بن حسن صرفی کشمیری (زنده ۱۰۰۳-۹۰۸ق)، پیرو فرقه کبرویه، و احمد بن عبد الاحد سرهندی (زنده ۱۰۳۴-۹۷۱ق)، بنیان‌گذار فرقه مجددیه (حسینی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۲۲ و ج ۴، صص ۳۸۵، ۴۰۶ و ۴۱۷ و ج ۵، صص ۴۷۹، ۵۴۱ و ۶۶۵).

البته افرادی نیز میان عالمان هند به چشم می‌خورند که مخالف صوفیگری بوده و به طریقهٔ سلف صالح، پایبند بوده‌اند. آنان را در واقع، می‌توان در شمار سلفی‌ها دانست؛ مانند عبدالنبی بن احمد بن عبدالقدوس حنفی کنکوهی (درگذشت: ۹۹۱ ق)، که ایشان مذهب محدثین را در حجاز برگزید و وقتی به وطن بازگشت، با بیشتر رسوم مشایخ صوفیه مخالفت کرد و طریقهٔ سلف را برگزید (همو، ۱۴۲۰ ق، ج ۴ ص ۳۸۰). برخی نیز اجتهاد می‌کردند و به رأی خود عمل می‌نمودند؛ مانند محمد فاخر بن محمد عباسی سلفی اله‌آبادی (زنده ۱۱۶۴-۱۱۲۰ ق)، که به مذهب خاصی مقید نبود و از نصوص کتاب و سنت اجتهاد می‌کرد (همو، ۱۴۲۰ ق، ج ۶، صص ۸۳۳-۸۳۲).

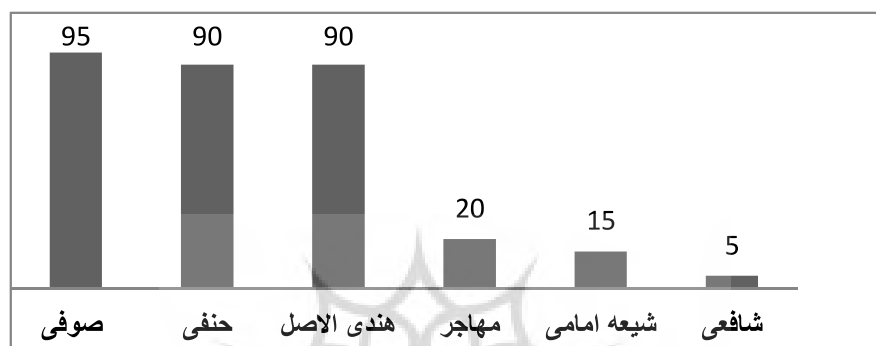
در سیرهٔ علمی و عملی گروهی از عالمان هندوستان، نوعی اعتدال و همچنین نگاه مثبت به موضوع زیارت (در مقابل دیدگاه افراطی ابن تیمیه) به چشم می‌خورد. میر حامد حسین، نامه‌ای را در کتاب *عقبات* آورده است که یازده نفر از علمای هند در پاسخ به پرسشی در خصوص سفر به مدینهٔ منوره، بانیّت زیارت نبی گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آن را بلامانع دانسته و پاسخ آن نامه را نوشته و امضا کرده‌اند (میرحامد حسین، ۱۳۶۶ ش، ج ۱۳، ص ۴۹۷).

گروهی حافظ قرآن نیز در میان عالمان هند دیده می‌شوند؛ مانند علی بن احمد، معروف به زمزمی (درگذشت: ۸۲۴ ق)، یعقوب بن حسن صرفی کشمیری (زنده ۱۰۰۳-۹۰۸ ق) و عبدالحق بن سیف‌الدین دهلوی (درگذشت: ۱۰۵۲ ق). (حسنی طالبی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۲۶۱ و ج ۵، صص ۵۵۴ و ۶۶۵).

نزدیک بیست درصد از علمای هند را مهاجران به هند تشکیل می‌دهند؛ مانند صبغة‌الله حسینی کاظمی بروجی (درگذشت: ۱۰۱۵ ق) از ایران، جمال‌الدین حسینی موسوی دمشقی (درگذشت: ۱۰۹۸ ق) از شامات، احمد بن بدرالدین عباسی شافعی مصری (زنده ۹۰۳-۹۹۲ ق) از مصر، محمد بن احمد فاکهی مکی (زنده ۹۹۲-۹۲۳ ق)، احمد بن محمد جوهری مکی (درگذشت: ۱۰۶۹ ق) و تعدادی از سادات حسنی، از جمله احمد بن اسحاق... بن محمود بن العلاء شریف حسنی نصیرآبادی و عبدالرزاق

بن عبدالوهاب... بن محمد شریف حسنی اجی لاهوری از حجاز (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۴، صص ۳۰۳ و ۳۰۴ و ج ۵، صص ۴۷۸، ۴۹۱، ۵۴۱ و ۵۶۲).

می دانیم که حضور سادات حسنی در هند، تأثیر خاصی در نشر تشیع در آن دیار داشته است. نمونه‌های فراوانی از مهاجرت سادات مدینه به هند را سیدضامن بن شدقم در تحفة الازهار آورده است (جعفریان، ۱۳۸۱ش، شماره ۳۹، صص ۷۷-۵۴).



از نظر دانش و تخصص، همه عالمان مورد بحث، اهل حدیث و بیشترشان فقیه بوده‌اند؛ اما تعدادی از آنان، در برخی رشته‌های علمی نیز تخصص داشته و صاحب اثر بوده‌اند؛ مانند احمد بن جعفر حسینی سندی (زنده ۹۴۴-۸۷۰ق)؛ در تجوید و قرائت، (حسینی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۳۰۳). سید ابوالقاسم بن حسین قمی کشمیری لاهوری (زنده ۱۳۲۴-۱۲۴۹ق)، یعقوب بن حسن صرفی کشمیری (زنده ۱۰۰۳-۹۰۸ق)، محمد سعید اسلمی مدراسی (درگذشت: ۱۲۷۱ق)، ولی الله بن احمد علی حسینی فرخ آبادی (زنده ۱۲۴۹-۱۱۶۵ق)، جعفر بن علی بن عبدالله عیدروس شافعی حصرمی هندی (درگذشت: ۱۰۶۴ق)، نذیر حسین بن جواد حسینی بهاری دهلوی (درگذشت: ۱۲۲۵ق) در تفسیر قرآن (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۵، صص ۵۱۱ و ۶۶۵ و ج ۷، صص ۱۰۹۴ و ۱۱۳۵ و ج ۸، صص ۱۱۶۶ و ۱۳۹۲).

عبدالنبی بن احمد بن عبدالقدوس حنفی کنکوهی (درگذشت: ۹۹۱ق)، عبدالله بن شمس الدین انصاری سلطانیپوری، مشهور به مخدوم الملک (درگذشت: ۹۹۰ق)، شیخ احمد ابن عبدالاحد سرهندی (زنده ۱۰۳۴-۹۷۱ق)، عبدالله بن صبغة الله شافعی مدراسی (زنده ۱۲۷۸-۱۲۳۶ق)، سید ابوالقاسم بن حسین قمی کشمیری لاهوری (زنده ۱۳۲۴-۱۲۴۹ق)، ولی الله ابن احمد علی حسینی فرخ آبادی (زنده ۱۲۴۹-۱۱۶۵ق) و میر حامد حسین حسینی موسوی

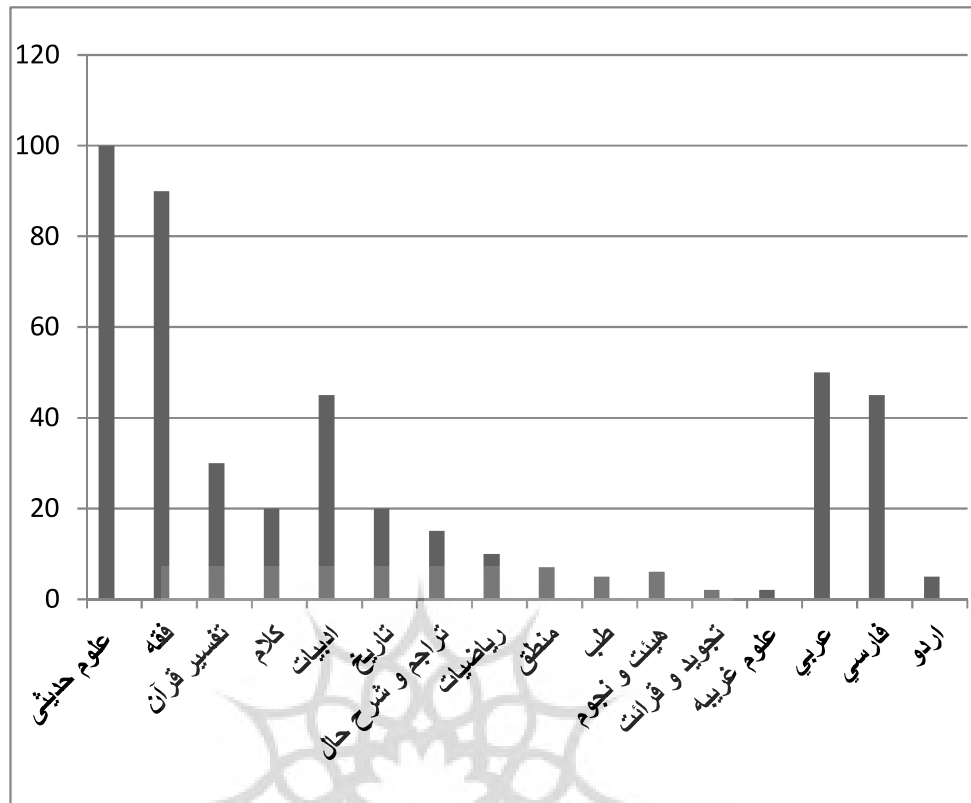
کتوری (زنده ۱۳۰۶-۱۲۴۶ق) در عقاید، (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۴، صص ۳۷۴ و ۳۸۰ و ج ۵، صص ۴۷۹-۴۸۶ و ج ۷، ص ۱۱۳۵ و ج ۸، صص ۱۱۶۶ و ۱۲۰۶-۱۲۰۷). احمد بن محمد جوهری مکی (درگذشت: ۱۰۶۹ق)، محمد فاخر بن محمد عباسی سلفی اله آبادی، (زنده ۱۱۶۴-۱۱۲۰ق)، جعفر بن علی بن عبدالله عیدروس شافعی حضرمی هندی (درگذشت: ۱۰۶۴ق)، یعقوب ابن حسن صرفی کشمیری (زنده ۱۰۰۳-۹۰۸ق) و میر حامد حسین حسینی موسوی کتوری، (زنده ۱۳۰۶-۱۲۴۶ق) در ادبیات فارسی و عربی، (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۵، صص ۴۹۱، ۵۱۱ و ۶۶۵ و ج ۶، ص ۸۳۳ و ج ۸، صص ۱۲۰۶ و ۱۲۰۷). اراده حسین ابن اولیاء علی صدیقی عظیم آبادی (درگذشت: ۱۲۹۴ق)، ابوالقاسم عبدالعزیز گجراتی، معروف به آصف خان (زنده ۹۶۱-۹۰۷ق) در طب، (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۴، صص ۳۶۹-۳۶۶ و ج ۷، ص ۹۱۰). اراده حسین بن اولیاء علی صدیقی عظیم آبادی (درگذشت: ۱۲۹۴ق)، جعفر بن علی بن عبدالله عیدروس شافعی حضرمی هندی (درگذشت: ۱۰۶۴ق)، نذیر حسین بن جواد حسینی بهاری دهلوی (درگذشت: ۱۲۲۵ق)، امین الدین بن حمیدالدین کاکوروی (درگذشت: ۱۱۶۴ق) در ریاضیات، (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۵۱۱ و ج ۷، صص ۹۱۰ و ۹۲۷ و ج ۸، ص ۱۳۹۲). جعفر بن علی بن عبدالله عیدروس شافعی حضرمی هندی (درگذشت: ۱۰۶۴ق) و نذیر حسین بن جواد حسینی بهاری دهلوی (درگذشت: ۱۲۲۵ق) در هیئت و نجوم، (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۵۱۱ و ج ۸، ص ۱۳۹۲). کرامت حسین حسینی کتوری (زنده ۱۳۳۵-۱۲۶۹ق) در حقوق، (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۱۳۳۱). محمد بن عطاء ناکوری (درگذشت: ۶۴۳ق)، مصلح الدین حنفی لاری (تاریخ ولادت و وفات نامعلوم) و ابوالقاسم عبدالعزیز گجراتی، معروف به آصف خان (زنده ۹۶۱-۹۰۷ق) در منطق، (همو، ج ۱، ص ۱۲۲ و ج ۴، صص ۳۶۹ و ۴۳۱). صبغة الله حسینی کاظمی بروجی (درگذشت: ۱۰۱۵ق) در علوم غریبه، (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۵۴۱). محمد بن احمد فاکهی مکی (زنده ۹۹۲-۹۲۳ق) و مرتضی بن محمد حسینی واسطی بلگرامی، صاحب تاج العروس (زنده ۱۲۰۵-۱۱۴۵) در لغت، (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۴۰۴، ج ۷، صص ۱۱۱۲-۱۱۰۸). محمد بن احمد حنفی نهروالی (زنده ۹۹۰-۹۱۷ق)، سید ابوالقاسم بن حسین قمی کشمیری لاهوری (زنده ۱۳۲۴-۱۲۴۹ق) و اعجاز حسین حسینی موسوی کتوری (زنده ۱۲۸۶-۱۲۴۰ق)

در تراجم و شرح حال، (همو، ج ۴، ص ۴۰۶ و ج ۷، ص ۹۱۹ و ج ۸، ص ۱۱۶۶). محمد بن احمد حنفی نهروالی (زنده ۹۹۰-۹۱۷ ق)، ابوتراب بن کمال حسینی گجراتی (درگذشت: ۱۰۰۳ ق)، یعقوب بن حسن صرفی کشمیری (زنده ۱۰۰۳-۹۰۸ ق) و ولی الله بن احمد علی حسینی فرخ آبادی (زنده ۱۱۶۵-۱۲۴۹ ق) در تاریخ (همو، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۴۰۶ و ج ۵، صص ۴۶۷ و ۶۶۷ و ج ۷، ص ۱۱۳۵).

با وجود اینکه زبان رسمی هندوستان اردو می باشد، جز مواردی اندک، آثار علمی عالمان مورد بحث، با زبان عربی و فارسی نوشته شده است.

این تحقیق نشان می دهد تعداد قابل توجهی از علمای هند در آغاز تحصیل، کتاب هایی مثل گلستان و بوستان سعدی، و دیوان حافظ و رسائل فارسی را خوانده اند و پس از دستیابی به مدارج علمی، کتاب هایی نیز با زبان فارسی نگاشته یا شعرهایی به زبان فارسی سروده اند؛ مانند: کرامت حسین حسینی کتوری (زنده ۱۳۳۵-۱۲۶۹ ق).

حسین بن شاهی بینک ارغون قندهاری سندی (زنده ۹۶۲-۸۷۶ ق)، محمد بن منکن ملانوی (زنده ۹۳۷-۸۱۰ ق)، مصلح الدین حنفی لاری (تاریخ ولادت و وفات نامعلوم)، ابوتراب حسینی گجراتی (درگذشت: ۱۰۰۳ ق)، جعفر بن علی عیدروس شافعی حضرمی (زنده ۱۰۶۴-۹۹۷ ق)، یعقوب بن حسن صرفی کشمیری (زنده ۱۰۰۳-۹۰۸ ق)، سید ابوالقاسم بن حسین قمی کشمیری لاهوری (زنده ۱۳۲۴-۱۲۴۹ ق)، محمد فاخر بن محمد عباسی سلفی اله آبادی (زنده ۱۱۶۴-۱۱۲۰ ق)، محمد سعید اسلمی مدراسی (زنده ۱۲۷۱-۱۱۹۴ ق)، محمد شکور بن امانه علی جعفری هاشمی مجهلی شهری (زنده ۱۳۰۰-۱۲۱۱ ق)، ولی الله بن احمد علی حسینی فرخ آبادی (زنده ۱۲۴۹-۱۱۶۵ ق) و رشید احمد بن هدایه احمد انصاری حنفی رامپوری کنکوهی (زنده ۱۳۲۳-۱۲۴۴ ق)، (همو، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، صص ۳۳۲، ۴۱۷ و ۴۳۱ و ج ۵، صص ۴۶۷، ۵۱۱ و ۶۶۵ و ج ۶، صص ۸۳۳ و ج ۸، صص ۱۳۳۱، ۱۱۶۶ و ۱۲۲۹ و ج ۷، صص ۱۰۹۴، ۱۰۹۵ و ۱۱۳۵).



دلایل و انگیزه‌های ارتباطات علمای هند با حرمین شریفین

مهم‌ترین عامل پیوند علمای هند با حرمین شریفین را در دو عنوان می‌توان

برشمرد:

اول: حج و زیارت

اولین و مهم‌ترین هدف سفر علمای هند به مکه و مدینه، عمل به تکلیف شرعی و انجام دادن مناسک حج در مکه و زیارت مرقد مطهر پیامبر خدا ﷺ در مدینه بوده است. در توصیف سفر بسیاری از اندیشمندان هند، فقط به موضوع انجام عبادت و مناسک حج بیت‌الله و زیارت نبی اعظم ﷺ اشاره شده و هیچ اقدام دیگری مثل تحصیل علم و... ذکر نشده است. برای نمونه، طبق گزارش‌ها محمد بن محمد بن ابی‌بکر دمراجی دهلوی حنفی (درگذشت: ۷۹۰ق)، در ایام اقامتش در مکه، هر روز یک عمره انجام می‌داد یا سعید بن محفوظ لاهوری سوانوی (تاریخ تولد و وفات

نامعلوم)، که با پای پیاده از سوانه هند تا مکه سفر کرد و هفت نوبت حج و عمره انجام داد و در مکه وفات یافت. همچنین عبدالقادر بن محمد بن زین العابدین حسنی اجی لاهوری (درگذشت: ۱۰۲۶ق)، با درخواست اکبرشاه و امکاناتی که وی برایش فراهم آورد، به حجاز سفر کرد و به حج و زیارت پرداخت یا احمد بن جعفر حسینی سندی (زنده ۹۴۴-۸۷۰ق)، میر حامد حسین حسینی موسوی کنتوری (زنده ۱۳۰۶-۱۲۴۶ق)، کرامت حسین حسینی موسوی کنتوری (زنده ۱۳۳۵-۱۲۶۹ق) و اعجاز حسین حسینی موسوی کنتوری (زنده ۱۲۸۶-۱۲۴۰ق) که فقط به انجام عبادت و مناسک حج و زیارت پیامبر گرامی ﷺ پرداختند. (حسینی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۰۴ و ج ۳، ص ۲۵۳ و ج ۴، ص ۳۰۳ و ج ۷، ص ۹۱۹ و ج ۸، صص ۱۲۰۷ و ۱۳۳۱).

دوم: تحصیل علم

از آنجا که مکه و مدینه، به عنوان محل پیدایش و گسترش علوم و معارف اسلامی، دارای منابع اولیه و اصیل علوم دینی بود و اندیشمندان بسیاری در آن سرزمین تربیت شده یا از ممالک دیگر به آن سرزمین مهاجرت کرده بودند، همه جویندگان علم و معنویت، خود را نیازمند سفر به آن سرزمین می دیدند. از این رو، تعداد بسیاری از مشتاقان علوم دینی از هندوستان نیز به این سرزمین مهاجرت کردند. شماری از این افراد، پس از تحصیل علم و کسب اجازه از استادانشان به هند باز گشتند و به تدریس و تربیت شاگرد و ارشاد مردم اشتغال یافتند؛ مانند: شیخ محمد بن منکن ملانوی، مشهور به شیخ مصباح العاشقین (زنده ۹۳۷-۸۱۰ق)، جعفر بن علی عیدروس شافعی حضرمی (هندی گجراتی) (زنده ۱۰۶۴-۹۹۷ق)، علی بن احمد، معروف به زمزمی (درگذشت: ۸۲۴ق)، حسن بن محمد صغانی یا صاغانی (زنده ۶۳۷-۵۵۷ق)، رحمة الله بن عبدالله بن ابراهیم عمری سندی (درگذشت: ۹۹۴ق)، یعقوب بن حسن صرفی کشمیری (زنده ۱۰۰۳-۹۰۸ق)، محمد بن عطای ناکوری (درگذشت: ۶۴۳ق)، ابراهیم بن داود قادری مانکپوری اکبرآبادی (درگذشت: ۱۰۰۱ق)، سید ابراهیم ثوری غیاثپوری (ولادت

و وفات نامعلوم)، عبدالحق بن سیف‌الدین دهلوی (درگذشت: ۱۰۵۲ق)، محمود بن یوسف بن علی کرانی هندی حنفی (ولادت و وفات نامعلوم)، محمدفاخر بن محمد عباسی سلفی اله‌آبادی (۱۱۶۴-۱۱۲۰ق) و محمد سعید اسلمی مدراسی (زنده ۱۲۷۱-۱۱۹۴ق). (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۱، صص ۹۳ و ۱۲۲؛ ج ۲، ص ۲۱۰؛ ج ۳، ص ۲۶۱؛ ج ۴، صص ۳۳۹ و ۴۱۷؛ ج ۵، صص ۴۶۲، ۴۶۴، ۵۱۱ و ۵۵۴؛ ج ۶، ص ۸۳۳؛ ج ۷، ص ۱۰۹۴).

اما شمار دیگری از آنان، برای انجام حج و زیارت و همچنین کسب علم و معرفت، در مدینه و بیشتر در مکه رحل اقامت افکندند و به عبادت و خدمات علمی؛ مثل تعلیم شاگردان، افتا و خطابه مشغول شدند و به هند باز نگشتند و اگر هم باز گشتند، دوباره به حرمین شریفین مراجعت کردند و ماندگار شدند؛ مانند علی بن حسام‌الدین متقی برهانپوری (زنده ۹۷۵-۸۸۵ق)، عبدالرحمان بن احمد بن عبدالملک قرشی هندی (درگذشت: ۸۲۷ق)، محمد بن احمد حنفی نهروالی (زنده ۹۹۰-۹۱۷ق)، حمیدالدین بن عبدالله حنفی عمری سندی (درگذشت: ۱۰۰۹ق)، صبغة‌الله بن روح‌الله حسینی کاظمی بروجی (درگذشت: ۱۰۱۵ق)، مصلح‌الدین حنفی لاری (تاریخ ولادت و وفات نامعلوم)، عمرین محمد هندی حنفی (تاریخ ولادت و وفات نامعلوم)، یدالله سعد حنفی لاهوری (زنده ۱۰۸۳-۹۸۵ق) و عبدالله بن سعدالله متقی سندی (درگذشت: ۹۸۴ق). (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۸۱ و ج ۳، ص ۲۵۶ و ج ۴، ص ۳۷۴، ۴۰۶ و ۴۳۱ و ج ۵، ص ۵۲۴، ۵۴۱ و ۵۷۷).

شبهه‌های نیل به رتبه‌های علمی و معنوی

همه افرادی که در این تحقیق بررسی شده‌اند، به جز مهاجرین و افراد معدودی مثل علی بن احمد (درگذشت: ۸۲۴ق)، معروف به زمزمی، که در دوران خردسالی وی را به مکه بردند و آنجا به تحصیل پرداخت، (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۶۱). بقیه افراد در خود هند به دنیا آمده، به تحصیل پرداخته‌اند. آنان پس از تحصیلات مقدماتی، شامل ادبیات فارسی، عربی، قرآن، منطق و... راهی حرمین شریفین شده و به حوزه درسی و تربیتی یک یا چند عالم سرشناس در حدیث و فقه راه یافته‌اند و برای کسب تخصص

فقهی و حدیثی و... کتب معروف در آن رشته را نزد استادان فراگرفته و به رتبه مورد نظر دست یافته‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

یک: قرائت کتب و تصحیح اسناد روایات

از اصطلاحات رایج در سده‌های گذشته؛ به‌ویژه میان علمای هند، قرائت کتب حدیثی نزد استادان فن است که از اهداف علمای هند از سفر به مکه و مدینه است. آنان پس از قرائت کتب روایی و اصلاح اسناد روایات، از استادان اجازه نقل روایت می‌گرفتند؛ زیرا روایت (سنت)، که از دلایل چهارگانه برای استنباط حکم شرعی است، در صورتی ارزش استناد دارد که حجیت آن ثابت شود و تشخیص آن هم ممکن نیست، مگر با مراجعه به علم رجال تا روایان ثقه و حسن از روایان ضعیف تمیز داده شوند (خوئی، ۱۴۰۹ق/ ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۲۱). از راه‌های به‌دست آوردن اسناد احادیث در گذشته، مراجعه به روایان حدیث (محدثین) بوده است تا به این وسیله، سلسله رجالی احادیث بررسی شود و اطمینان به صحت روایات به دست آید؛ زیرا به مشهور اصولیان و فقیهان نسبت داده شده است که برای درستی حدیث، باید از قرائن اطمینان‌بخش استفاده کرد که بررسی سلسله سند، از آن قرائن است (لنگرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، صص ۶۱-۶۰).

دو: بیعت با استاد و دریافت اجازه نقل روایت

از اصطلاحات رایج در تصوف، بیعت با استاد است. در شرح حال تعدادی از علمای هند آمده است که آنان پس از طی مدارج علمی و معنوی، با استاد و مراد خود بیعت کرده‌اند؛ مانند احمد سعید بن ابی سعید عمری دهلوی (زنده ۱۲۷۷-۱۲۱۷ق)، که نزد شیخ غلام‌علی علوی دهلوی به تحصیل علم پرداخت و با ایشان بیعت کرد؛ ابوسعید بن محمدضیاء نقشبندی بریلوی (درگذشت: ۱۱۹۳ق) که با عموی خود سید محمدصابر بن آیت‌الله نقشبندی بیعت کرد؛ عبدالحق بن سیف‌الدین دهلوی (درگذشت: ۱۰۵۲ق). پس از حفظ قرآن و تحصیل علوم متداول و طی مدارج معنوی، با شیخ موسی ابن حامد حسنی اجی بیعت نمود. همچنین سیدابراهیم ثوری غیاثوری

(ولادت و وفات نامعلوم)، با هدف بیعت با شیخ کبیرالدین حسینی بخاری از لاهور به مولتان رفت و با او بیعت کرد و به دهلی بازگشت. برخی افراد نیز برای بیعت با استاد و دریافت اجازه نقل روایت، به حرمین شریفین سفر کرده‌اند؛ مانند حیدر حسن بن احمد یاغستانی افغانی طوکی (زنده ۱۳۶۱-۱۲۸۱ق)، که وقتی موفق به سفر حج و زیارت شد، با امام امدادالله تهانوی در مکه مکرمه بیعت کرد و شیخ به او اجازه نقل روایت داد (حسنی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، صص ۴۶۴ و ۵۵۴ و ج ۶، ص ۶۸۸ و ج ۷، ص ۹۰۶ و ج ۸، صص ۱۲۱۸ و ۱۲۱۹).

اجازه روایت، از اصطلاحات علم درایه و به معنای اجازه شفاهی یا کتبی شیخ و استاد به فرد مورد اطمینان خود، برای نقل احادیثی است که وی در نوشته هایش گرد آورده یا آنها را روایت کرده است. فایده این کار، مصون ماندن روایات از دخل و تصرف بیجا و حفظ کتاب‌های حدیثی از افزوده شدن احادیث دروغین و جعلی است. عنوان اجازه بر نوشتار در بسیاری از موارد، در بردارنده اجازه نیز هست و افزون بر آن، عامل معرفی شیوخ و استادانی است که به اجازه دهنده رخصت نقل حدیث داده‌اند و همچنین مشایخ هر یک از استادان در هر طبقه و عصر، تا برسد به مصدر اصلی یعنی معصوم علیه السلام، کتاب‌هایی نیز در زمینه اجازاتی که مشایخ به افراد داده‌اند، نوشته شده و میان علمای شیعه، نخستین کتاب مربوط به سید بن طاووس (م ۶۶۴ق) است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، صص ۱۳۳-۱۲۱؛ انصاری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۶۴؛ فرهنگ فقه فارسی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۲۶۱).

با توجه به اینکه مراتب علمی و معنوی شاگردان متفاوت بود، اجازه استادان نیز ذومراتب است:

۱. اجازه عمومی؛ به این معنا که وی می‌تواند در همه زمینه‌ها از همه کتاب‌های حدیثی، نقل روایت کند و به تدریس علوم و تربیت شاگرد و همچنین ارشاد و هدایت مردم مبادرت ورزد؛ مانند محمدفاخر بن محمد عباسی سلفی اله‌آبادی که در تاریخ ۱۱۴۹ به حرمین شریفین سفر کرد و نزد محمد حیات سندی، صحیح بخاری و صحیح

مسلم را خواند و اسناد احادیث را اصلاح کرد و محمد حیات به وی اجازه عمومی در نقل روایت داد. همچنین امین‌الدین بن حمیدالدین کاکوری سال ۱۱۸۷ق، به حریمین شریفین سفر کرد و در مکه، جزریه را نزد میرداد مکی قرائت نمود و در مدینه منوره، نزد شیخ ابوالحسن بن محمدصادق سندی، مقدمه ابن صلاح و صحیح بخاری و مصابیح را، و همچنین نزد شیخ محمدسعید صقر، سنن ابوداود و سنن ابن ماجه را قرائت کرد و آنان به وی اجازه عامه دادند یا عبدالحق بن سیف‌الدین دهلوی (درگذشت: ۱۰۵۲ق)، در مکه با قرائت کتاب‌های حدیثی، از شیخ عبدالوهاب بن ولی‌الله متقی و علی بن جارالله بن ظهیره قرشی مخزومی مکی، و در مدینه از شیخ احمد بن محمد بن محمد ابی‌الحزم مدنی و شیخ حمیدالدین بن عبدالله سندی، اجازه عمومی نقل حدیث دریافت کرد. همچنین صبغة‌الله حسینی کاظمی بروچی (درگذشت: ۱۰۱۵ق) که از استادش وجیه‌الدین ابن نصرالله علوی کجراتی، اجازه ارشاد مردم گرفت یا ابوسعید بن صفی حنفی دهلوی، از بزرگان نقشبندیه (زنده ۱۲۵۰-۱۱۹۶ق)، از شیخ عبدالعزیز بن ولی‌الله عمری دهلوی و دیگر بزرگان عصر، اجازه عامه و طریقه نقشبندیه را از شیخ درگاهی رامبوری گرفت و در مسند ارشاد نشست و هزاران نفر با او بیعت کردند. همچنین شیخ احمد بن عبدالاحد سرهندی (زنده ۱۰۳۴-۹۷۱ق) و یعقوب بن حسن صرفی کشمیری، از شیخ‌رضی‌الدین عبدالباقی نقشبندی، عبدالقادر بن محمد بن زین‌العابدین شریف حسنی اجی لاهوری (درگذشت: ۱۰۲۲ق) اجازه عامه گرفتند. (حسنی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، صص ۴۸۰، ۴۸۶، ۵۴۱، ۵۴۴ و ۵۷۰ و ج ۶، ص ۸۳۳ و ج ۷، ص ۸۹۳).

۲. اجازه در موردی خاص مانند قضاوت؛ مثل اینکه عبدالحق بن سیف‌الدین دهلوی (درگذشت: ۱۰۵۲ق) در مدینه نزد استادش عبدالوهاب، مشکاة مصابیح را قرائت کرد و ایشان به وی خرقه پوشانید و اجازه مطلقه در احکام تحکیم به او داد. همچنین درباره شیخ بن عبدالله عیدروس یمنی حضرمی (۱۰۴۱-۹۹۳ق)، که مهاجر به هند است، گفته‌اند: در سال ۱۰۲۵ قمری، شیخ عبدالقادر بن شیخ، به وی خرقه پوشانید و او را حاکم قرار داد و اجازه مطلقه در احکام تحکیم برای او نیز مکتوب کرد (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۵، صص ۵۴۰ و ۵۵۴).

۳. اجازه درباره بیان دیدگاه‌های مذاهب اربعه؛ محمد بن احمد فاکهی مکی (زنده ۹۹۲-۹۲۳ق)، که در مکه و حضرموت و زبید، نزد بزرگانی مثل ابوالحسن بکری و ابن حجر هیتمی و محمدبن الخطاب در چهار مذهب دانش آموخته و از علمای آن مذاهب، اجازه نقل روایت گرفته است. همچنین مرتضی بن محمد حسینی واسطی بلگرامی (زنده ۱۲۰۵-۱۱۴۵ق)، صاحب تاج العروس، به حجاز سفر کرد و در زبید یمن مستقر شد و از گروهی از علما اخذ حدیث کرد و از مشایخ مذاهب اربعه و همچنین علمای شاخص بلاد مختلف، اجازه دریافت کرد و چندین بار حج انجام داد. وی پس از آن به مصر رفت و مدتی در دروس بزرگان مصر شرکت جست و از آنان نیز اجازه دریافت کرد. (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۴۰۴؛ ج ۷، صص ۱۱۰۹-۱۱۰۸).

در بحث اجازات، دو نکته حائز اهمیت است:

۱. بنابر گزارش‌ها، بسیاری از اجازات علمای هند را عالمان هندی که در حرمین شریفین به تحصیل پرداخته و درجات بالای علمی را احراز نموده بودند، صادر کرده‌اند؛ مانند صدیق حسن خان قنوجی (زنده ۱۳۰۷-۱۲۴۸ق)، که در مکه از شیخ یعقوب بن محمد افضل عمری - سبط شیخ عبدالعزیز بن ولی الله دهلوی - اجازت [نقل حدیث دریافت کرد یا عبدالحق بن شاه محمد بکری حنفی اله آبادی (درگذشت: ۱۳۳۳ق)، که از شیخ عبدالغنی بن ابی سعید عمری دهلوی اجازه حدیث و طریقت و مقام تدریس دریافت کرد و پنجاه سال در مکه اقامت گزید و شیخ ابوالخیر عبدالله بن عمر دهلوی و مولوی عبدالاول جونپوری و بسیاری از علما از وی اجازه گرفتند. همچنین محمد فاخر بن محمد عباسی سلفی اله آبادی از شیخ محمد حیات سندی اجازه عامه دریافت کرد یا عبدالحق بن فضل الله عثمانی نیوتینی بنارسی (زنده ۱۲۷۶-۱۲۰۶ق)، که گروهی از علما از جمله شیخ محمدعابد بن احمد علی سندی به وی اجازه عامه دادند و ایشان هم به افراد دیگر اجازه داد. (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۸۳۳؛ ج ۷، صص ۹۰۵ و ۱۰۰۱؛ ج ۸، صص ۱۲۴۶ و ۱۲۶۲).

۲. برخی از علما در سفر مکه و مدینه، پس از حج و زیارت و مدتی تحصیل و دریافت طریقت و اجازات لازم، به کشورها و شهرهای دیگر دنیا مثل بغداد،

شام، فلسطین، قسطنطنیه، عدن، حدیده، حضرموت و صنعا در یمن و همچنین شهرهای مصر نیز برای کسب علم و اخذ اجازه از علمای آن دیار سفر کرده‌اند؛ مانند سیدابراهیم ثوری غیاثپوری (ولادت و وفات نامعلوم)، محمد بن عبدالرحمان انصاری سهارنپوری (درگذشت: ۱۳۸۰ق)، عبدالحق بن فضل‌الله عثمانی نیوتینی بنارسی (زنده ۱۲۷۶-۱۲۰۶ق)، و مرتضی بن محمد حسینی واسطی بلگرامی (زنده ۱۲۰۵-۱۱۴۵ق) صاحب *تاج العروس* (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۴۶۴؛ ج ۷، صص ۱۰۰۱ و ۱۱۰۸-۱۱۱۲؛ ج ۸، ص ۱۳۴۳).

دستاورد‌های سفر علمای هند به حرمین شریفین

چنان که گفتیم، عالمان هند برای حج و زیارت و به دست آوردن علم، ناگزیر از سفر به مکه و مدینه بودند. با توجه به اینکه این سفرها با دشواری‌هایی همراه بود، همه کس موفق به این سفر نمی‌شد. بنابر گزارش‌های تاریخی، سعید بن محفوظ لاهوری سوانوی (تاریخ تولد و وفات نامعلوم)، با پای پیاده از سوانه هند تا مکه سفر کرد و هفت نوبت حج و عمره انجام داد و در مکه وفات یافت یا عبدالجلیل بن طه انصاری جونپوری، به قصد مکه راهی سفر شد؛ ولی سال ۹۹۰ قمری، دزدها وی را در دهلی کشتند یا محمد فاخر بن محمد عباسی سلفی اله‌آبادی (زنده ۱۱۶۴-۱۱۲۰ق)، در سفر دومش به مکه که سال ۱۱۵۴ق، اتفاق افتاد، با حمله دزدها به کشتی مواجه شد و اموالش به غارت رفت. ایشان بار سوم برای سفر به حرمین حرکت کرد و در بندر هوکلی سوار کشتی شد؛ ولی کشتی در میان راه شکست و ایشان به همراه مسافران به جانکام وارد، و منتظر کشتی شدند؛ اما از آنجا که کشتی پیدا نشد، ایشان به اله‌آباد برگشت، مدتی آنجا ماند و پس از مدتی با هدف حج راهی سفر شد؛ اما در برهانپور، مبتلا به مریضی سرسام شد و از دنیا رفت.

اما کسانی که توانستند با همه این سختی‌ها خود را به مکه و مدینه برسانند، به موفقیت‌های بزرگ علمی و معنوی، فردی و اجتماعی دست یافتند. عبدالحق بن سیف‌الدین دهلوی (درگذشت: ۱۰۵۲ق)، به برکت سفر مکه و مدینه و تحصیل در

آنجا، توانست برای اولین بار، علم حدیث را به هند آورد. علی بن حسام‌الدین متقی برهانپوری (زنده ۹۷۵-۸۸۵ق)، پس از سفر به حرمین شریفین و دریافت مقامات علمی و معنوی، دو بار در ایام محمودشاه صغیر کجراتی به هند آمد، با همفکری محمودشاه، تصمیم گرفت امور مملکتی را مطابق سیره شیخین در شرع، پیش ببرد (حسنی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۵۳؛ ج ۴، صص ۳۶۰ و ۳۸۵؛ ج ۵، ص ۵۵۴؛ ج ۶، ص ۸۳۳).

دستاوردهای ارتباطات علمای هند با حرمین شریفین:

۱. کسب تخصص‌های علمی

کسب تخصص و رسیدن به مراتب بالای علمی، از دستاوردهای ارتباطات علمای هند با مکه و مدینه است. همه عالمانی که در این نوشته بررسی شده‌اند، در علم حدیث و فقه، به تخصص مورد نظر دست یافته‌اند. البته برخی از آنان در امور دیگر نیز خبره و صاحب نظر بوده‌اند که در بحث ویژگی علما به برخی از آنها اشاره شد. بر اساس بررسی‌ها، به دلیل همین تخصص‌ها، تعداد پُرشماری از آنان پس از مهاجرت به حرمین شریفین و طی مدارج علمی، اقدام به تألیف کتاب کرده‌اند. این آثار را می‌توان در این موضوعات دسته‌بندی کرد: «تفسیر قرآن» (هفت عنوان)، «عقاید» (۲۲ عنوان)، «فقه و اصول» (۲۴ عنوان)، «علوم ادبی و ادبیات عرب» (سه عنوان)، «حقوق» (دو عنوان)، «حکمت و فلسفه» (یک عنوان)، «عرفان» (دو عنوان)، کتاب‌هایی با موضوع «نقد آرای دیگران» (چهار عنوان)، «منطق» (یک عنوان)، «علوم غریبه»؛ مانند جفر (دو عنوان)، «لغت» (چهار عنوان)، «تراجم و شرح حال» (سه عنوان)، «انساب» (یک عنوان)، «تاریخ» (هشت عنوان)، «حدیث و علوم حدیثی» (هفت عنوان)، «اخلاق و آداب» (سه عنوان)، «دیوان شعر با موضوعات مختلف» (پنج عنوان).

۲. دریافت طریقت

طریقت نزد صوفیه، همان سلوک معنوی و کوشش در زهد و عزلت است که برای آن، آدابی در نظر گرفته شده. آداب در اصطلاح صوفیه، مجموعه قواعد و رسوم

و وظایفی است که رعایت آنها «برای تحسین اخلاق و تهذیب اقوال و افعال»، بر سالکانِ طریقت لازم است (سجادی، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، ص ۱۲).

از موضوعات مطرح در زندگی علمای هند، دریافت طریقت از استاد است که گروهی از علما در شهر محل سکونت خود یا یکی از شهرهای هندوستان، موفق به آن شده‌اند؛ مانند شیخ احمد بن عبدالاحد سرهندی (زنده ۱۰۳۴-۹۷۱ ق)، در سرهند، طریقه جشتیه را از پدرش، و پس از آن، در سال ۱۰۰۷ قمری در دهلی، طریقه نقشبندی را از رضی الدین عبدالباقی نقشبندی دریافت کرد و در آن طریقه، بسیار پیشرفت نمود و به اوج مقام قطبیه و فردیه رسید و شیخ به او خرقه خلافت را پوشاند. سعید بن محفوظ لاهوری سوانوی (تاریخ تولد و وفات نامعلوم)، طریقت را از شیخ صدرالدین محمد بن احمد حسینی بخاری اجی، و عبدالجلیل بن طه انصاری جونپوری (درگذشت: ۹۹۰ ق)، طریقت را از شیخ عبدالعزیز بن حسن عباسی دهلوی، و رشید احمد بن هدایت احمد انصاری حنفی رامپوری کنکوهی (زنده ۱۳۲۳-۱۲۴۴ ق)، طریقت را از شیخ امدادالله بن محمد امین عمری تهانوی دریافت کرد (حسنی طالبی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۲۵۳؛ ج ۴، ص ۳۶۰؛ ج ۵، صص ۴۸۶-۴۷۹؛ ج ۸، ص ۱۲۲۹).

اما بسیاری از آنان با سفر به سرزمین‌های دیگر، به ویژه حرمین شریفین و تلمذ در محضر استادان صاحب‌نام، طریقت را از استاد خویش دریافت کرده‌اند؛ مانند محمد بن عطاء ناکوری (درگذشت: ۶۴۳ ق)، به بغداد سفر کرد و طریقت را از شیخ شهاب‌الدین عمر بن محمد سهروردی دریافت نمود، و یعقوب بن حسن صرفی کشمیری (زنده ۱۰۰۳-۹۰۸ ق)، طریقت کبرویه را در سمرقند از شیخ حسین خوارزمی دریافت کرد (همو، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۱۲۲؛ ج ۵، ص ۶۶۵). محمد بن احمد حنفی نهروالی (زنده ۹۹۰-۹۱۷ ق)، طریقت را در مکه از شیخ علاءالدین کرمانی نقشبندی دریافت کرد. احمد رضا بن نقی افغانی حنفی بریلوی، مشهور به عبدالمصطفی (زنده ۱۳۴۰-۱۲۷۲ ق)، طریقت و اجازه را در مکه از سید آل رسول حسینی مارهروی دریافت کرد. خواجه احمد بن یاسین... بن محمود شریف حسنی نصیرآبادی (زنده ۱۲۸۹-۱۲۴۱ ق)، طریقت و سند حدیث را در مکه از

شیخ یعقوب بن افضل دهلوی، سبط شیخ عبدالعزیز و سید شریف محمد بن ناصر حازمی دریافت کرد. احمد بن حسن حسینی حنفی امروهوی (درگذشت: ۱۳۳۰ق)، بعد از حج و زیارت، طریقت را از شیخ امدادالله تهانوی، و سند حدیث را از شیخ عبدالغنی بن ابی سعید دهلوی دریافت نمود. علی بن حسام‌الدین متقی برهانپوری (زنده ۹۷۵-۸۸۵ق)، از شیخ ابوالحسن شافعی بکری، حدیث و طریقه قادریه و شاذلیه، و مدینه را دریافت کرد، و یعقوب بن حسن صرفی کشمیری (زنده ۱۰۰۳-۹۰۸ق)، طریقه نقشبندیه را از رضی‌الدین عبدالباقی نقشبندی به دست آورد (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۴، صص ۳۸۵ و ۴۰۶؛ ج ۵، صص ۶۶۵ و ج ۷، صص ۹۰۵ و ۱۱۷۹؛ ج ۸، صص ۱۱۸۱-۱۱۸۰).

۳. دریافت خرقة

خرقه، به معنای جامه چندانکه است که پیر و مرشد، به طالب و سالک راه - در صورت لیاقت - می‌پوشاند. پوشیدن خرقة به معنای بیعت با شیخ و تسلیم شدن به حکم اوست. افزون بر این، پوشیدن خرقة، رمزی از ارتباط معنوی مرید و مراد است. (سهروردی، بی تا، ج ۱، ص ۹۵). بر این اساس، خرقة به یک معنا نشان‌دهنده هویت طریقتی صوفی، هم به معنای عام (طریقت تصوف) و هم به معنای خاص (سلسله طریقتی) است و خرقة داشتن، مانند پیر و مرشد بودن است؛ به گونه‌ای که صوفیان وقتی درویشی را نمی‌شناختند، از او می‌پرسیدند: خرقة از دست چه کسی داری؟ همچنین صوفیان اگر از اصول تصوف تخطی می‌کردند، ممکن بود خرقة‌شان را از ایشان بگیرند (خرقة برکشیدن). (ابن منور، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۴۶؛ شفیع کدکنی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۸۰).

دریافت خرقة، همانند دریافت طریقت، در مناطق مختلف اتفاق افتاده است. برای نمونه، محمد بن عطای ناکوری (درگذشت: ۶۴۳ق)، خرقة جسته را در هند از شیخ قطب‌الدین بختیار اوشی دریافت نمود. همچنین علی بن حسام‌الدین متقی برهانپوری (زنده ۹۷۵-۸۸۵ق)، مرید شیخ بهاء‌الدین صوفی برهانپوری، پس از

درگذشت ایشان از دست پسر آن صوفی، به نام عبدالحکیم بن بهاءالدین برهانپوری خرقة پوشید. احمد بن عبدالاحد سرهندی (زنده ۱۰۳۴-۹۷۱ق)، بیشتر علوم و طریقه جشتیه را از پدرش دریافت کرد و در هفده سالگی به تدریس و تصنیف مشغول شد و پدرش خرقة خلافت را به او پوشانید. مدتی بعد در دهلی، خدمت رضی الدین عبدالباقی نقشبندی رسید و طریقه نقشبندی را از او گرفت. شیخ به او اجازه ارشاد طالبین داد و خرقة خلافت را به او پوشانید (حسنی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۲۲ و ج ۴، ص ۳۸۵ و ج ۵، ص ۴۷۹-۴۸۶). اما بسیاری از علما، خرقة خلافت را در مکه یا مدینه از مشایخ دریافت کرده اند؛ مانند عبدالحق بن سیف الدین دهلوی (درگذشت: ۱۰۵۲ق)، جلال الدین حسین بن احمد بخاری (زنده ۷۸۵-۷۰۷ق)، سماء الدین بن فخرالدین صدیقی بجنوردی، از بزرگان فرقه جشتیه (درگذشت: ۷۷۶ق)، شیخ محمد بن محمد صفانی هندی حنفی (درگذشت: ۷۸۰ق)، سارنک حنفی صوفی دهلوی لکهنوی (درگذشت: ۸۸۵ق) و احمد بن عمر دویله شافعی حصرمی (ولادت و وفات نامعلوم). (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۲، صص ۱۵۳، ۱۶۲ و ۲۰۲؛ ج ۳، ص ۲۵۱ و ج ۵؛ صص ۴۸۸، ۴۸۹ و ۵۵۴).

۴. رسیدن به مقام شیخ الاسلامی

از اصطلاحات رایج درباره علمای هند، رسیدن به مقام شیاخت است. از کاربردهای این واژه، همان جایگاه معنوی اجتماعی است. درباره احمد سعیدبن ابی سعید عمری دهلوی (زنده ۱۲۷۷-۱۲۱۷ق) آمده است که وی پس از گذرانیدن مراحل علمی و معنوی، با شیخ غلام علی علوی دهلوی بیعت کرد و پس از فوت پدرش، در مقام شیاخت وی قرار گرفت و بر سجاده شیخ غلام علی نشست.

همین تعبیر را درباره محمد فاخر بن محمد عباسی سلفی اله آبادی (زنده ۱۱۶۴-۱۱۲۰ق) نیز داریم که طریقت را از پدرش دریافت کرد و بعد از پدر، مقام شیاخت وی را عهده دار شد (حسنی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، صص ۸۳۳-۸۳۲ و ج ۷، ص ۹۰۶). اما در کاربرد دیگر، مقام شیاخت، مقام عالی حکومتی است با عنوان مقام شیخ الاسلام. گفته شده است که

شیخ الاسلام، عالی ترین و مطلع ترین مقام قضایی بوده (مینورسکی: ۱۳۷۸ ش، ص ۷۴) و بالاتر از شیخ الاسلام، مقام صدارت است. مقام صدارت، همان مقام «روحانی عالی مقام یا رییس دیوان بود که در آغاز به آن «صدر موقوفات» گفته می شد که تعیین حکام شرع و مباشران اوقاف و قضاوت دربارهٔ جمیع سادات، علما، شیخ الاسلام ها، وزرا، مستوفیان و ... از وظایف وی بود (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۸۲ ش، ج ۲، ص ۹۲۹).

در تاریخ عبدالله بن شمس الدین انصاری سلطانپوری، مشهور به مخدوم الملک، (در گذشت: ۹۹۰ق) آمده است که همایون شاه تیموری، مقام شیخ الاسلامی قلمرو حکومتی خودش را به وی واگذار کرد. ایشان تا زمان اکبرشاه در این سمت بود. شیرشاه، او را به جایگاه صدراالاسلام ارتقا داد. همایون شاه وقتی از ایران بازگشت و به تخت نشست، باز جایگاه شیخ الاسلام را به وی داد و اکبرشاه وی را لقب مخدوم الملک داد.

برخی علما، مقام شیخ الاسلامی را بعد از سفر به مکه و مدینه و رسیدن به مراتب بالای علمی و معنوی به دست می آوردند؛ مانند شیخ جائله مندوی (تولد و وفات نامعلوم)، که بعد از حج و زیارت در حرمین شریفین در ایام محمودشاه کبیر، به هند بازگشت و محمودشاه، مقام شیخ الاسلامی را به وی سپرد (حسنی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۴۳ و ج ۴، ص ۳۷۴).

۵. تدریس، خطابه و افتا در حرمین شریفین

بسیاری از علمای هند که برای استفاده های علمی به حرمین شریفین هجرت کردند، بر اثر کوشش و زحمات فراوان، به درجات والای علمی رسیدند و خود منشأ اثر در حرمین شریفین شدند. برخی از آنان، مقام افتا را به دست آوردند و در جایگاه مفتی شریعت در مکه و مدینه، یا مدرس و متولی مدرسه علوم دینی برگزیده شدند؛ مانند احمد بن محمد نهروالی گجراتی (زنده ۹۴۹-۸۷۰ق)، که پس از هجرت به مکه، رحل اقامت در آن شهر افکند و تولیت مدرسه احمدشاه گجراتی را بر عهده گرفت و با تدریس علوم متداول آن زمان، شاگردان زیادی را تربیت نمود. بعد از وفات ایشان، تولیت آن مدرسه به فرزندش محمد بن احمد حنفی نهروالی (زنده ۹۹۰-۹۲۷ق)

رسید، آنگاه که سلطان سلیمان بن سلیم عثمانی، چهار مدرسه به نام مدارس سلیمانیه در مکه بنا نهاد، محمد بن احمد را مدیر و مدرس آن مدارس برگزید.

پس از سلطان سلیمان، فرزندش سلطان مراد نیز مدرسه دیگری به نام مدرسه عثمانیه در صفا تأسیس کرد و افزون بر اینکه محمد بن احمد را در آن سمت‌ها ابقا کرد، او را در مقام مفتی مکه و خطیب حرم شریف مکه نیز منصوب نمود.

همچنین عبدالکریم بن محب‌الدین خرقانی نهروالی گجراتی (زنده ۱۰۱۴-۹۶۱ ق)، پسر برادر قطب‌الدین محمد بن احمد - مفتی مکه - پس از وی در سال ۹۸۲ ق، مفتی مکه انتخاب شد و سال ۹۹۰ ق، خطیب مکه معرفی گردید. همچنین شیخ صبغة‌الله حسینی بروجی در منطقه احد مدینه رحل اقامت افکند و به تدریس علوم دینی و تربیت شاگردان پرداخت (همو، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، صص ۳۰۶ و ۴۰۶؛ ج ۵، ص ۵۷۳).

میر حامد حسین، به نقل از عبدالحق دهلوی، درباره علی بن حسام‌الدین متقی آورده است:

«از مشاهده آثار خیر او؛ از تألیف و غیر آن، عقل حیران می‌شود. [از غلام‌علی آزاد بلگرامی نیز آورده است:] علی بن حسام‌الدین متقی در مکه معظمه به تدریس و تألیف و ترتیب جمع‌الجوامع سیوطی بر ابواب فقهیه اشتغال ورزید. بدین جهت، برای سیوطی منت است بر عالمیان، و برای متقی، منت است بر سیوطی، و شیخ ابن حجر مکی که در بدو امر استاد متقی بود، پس از مدتی شاگرد او گردید (میرحامد حسین، ۱۳۶۶ ش، ج ۱، صص ۲۱۵-۲۱۳، به نقل از: محدث دهلوی، اخبار الاخیار، ص ۲۹۴ و غلام‌علی حسینی، سبحة المرجان فی آثار هندوستان، ص ۴۳).

۶. ترجمه کتاب

برخی اندیشمندان نیز با ترجمه و بازگرداندن کتاب‌ها به زبان عربی، منشأ اثر در آن سرزمین شدند. محمد سعید اسلمی مدراسی (زنده ۱۲۷۱-۱۱۹۴ ق)، پس از آنکه به مکه رفت و در آنجا اقامت کرد، کتاب «التحفة» شیخ عبدالعزیز دهلوی را برای استفاده اهل مکه به عربی ترجمه کرد.

صبغة الله بن روح الله حسینی کاظمی بروجی، کتاب جواهر الخمسة شیخ محمد غوث کوالیری را به عربی ترجمه نمود.

جعفر بن علی عیدروس شافعی حضرمی هندی گجراتی نیز کتاب «سفینه الاولیاء» دار شکوه بن شاه جهان را به عربی ترجمه کرد و نامش را «تحفة الاصفیاء» گذاشت. (حسینی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، صص ۵۱۱ و ۵۴۱؛ ج ۷، ص ۱۰۹۴).

دیگر مناسبات علمای هند با حج و حرمین شریفین

علاوه بر موضوع حج و زیارت و سفرهای علمی، در تاریخ علمای هند، آنان مناسبات و ارتباطات دیگری نیز با مکه و مدینه داشته‌اند؛ مانند:

۱. نگارش و ارسال قرآن و کتب تفسیری

از خدمات علمای هند، تفسیر آیات نورانی قرآن و نگارش خود قرآن بوده است. در یکی از سفرنامه‌ها آمده است:^۱

«در جنب باب جبرئیل، صفه است. برای تلاوت قرآن، رحل‌های زیاد و قرآن‌های فراوان خطی و چاپی مهیاست. قرآنی دیدم چاپ هند، خیلی بزرگ و سنگین. ظاهراً سه مجلد بود. آیات را به خط درشت نوشته بود. در زیر هر سطر، دو جدول بود: در یکی ترجمه آیات به زبان فارسی بود و در دیگری، ترجمه به زبان اردویی هندی و در حاشیه آن، تفسیری بود از یک نفر از علمای هند.» (فصلنامه میقات حج، ۱۳۷۵ش شماره ۱۶، ص ۱۸۳).

همچنین بابر شاه تیموری (زنده ۹۳۷-۸۸۸ق)، که در بسیاری از فنون همچون شعر، انشا، عروض، لغز، خط و... تبخّر زیادی داشت و از طبع شعری برخوردار بود، دیوان شعر ترکی و منظومه‌ای در معارف و همچنین رسایلی در علم عروض و کتابی در فقه حنفی به نام «المبین» دارد. از آنجا که ایشان خط بابری را اختراع کرد، قرآنی با آن خط نوشت و به مکه فرستاد (حسینی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۳۱۴).

۱. آقایان حجازی - سید فضل الله و سیدعلی رضا - در بیان خاطرات سفر خود به مدینه منوره، که در تاریخ ۲۳ شوال ۱۳۶۲ق، اتفاق افتاده، نقل نموده‌اند.

۲. ساخت مدرسه علوم دینی و کاروان سرا

غیاث‌الدین بن سکندر (درگذشت: ۷۷۵ق)، که علوم را از محضر شیخ حمیدالدین احمد حسینی ناکوری فرا گرفت و از فضل و کمال بسیاری برخوردار شد، سال ۷۶۷ قمری بعد از پدرش در اكداله بنگال به مقام سلطنت رسید و با خادم خود - یاقوت غیائی - مال فراوانی را به حرمین شریفین فرستاد. به دستور ایشان، در مکه یک باب مدرسه، و همچنین یک کاروان سرا ساخته شد. طبق نقل‌ها، در آن مدرسه چهار مدرس برای چهار مذهب قرار داده شد و طلاب در آن مشغول به درس شدند. همچنین به دستور ایشان، موقوفاتی برای حفظ و نگهداری مدرسه و کاروان سرا و هزینه طلاب و استادان در نظر گرفته شد (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۸۴).

۳. مساعدت‌های مالی به اهل مکه

ابوالقاسم عبدالعزیز گجراتی، معروف به آصف‌خان، (زنده ۹۶۱-۹۰۷ق) از پدرش صرف، نحو، معانی و بیان و از قاضی برهان‌الدین نهروالی، علوم شرعی و حدیث، و از خطیب ابوالفضل کازرونی و سید ابوالفضل استرآبادی، منطق، حکمت، اصول و طب را فرا گرفت. ایشان که اعظم الوزرای بهادرشاه گجراتی و همایون‌شاه تیموری بود، از طرف همایون‌شاه با حریم و خزانه، همراه با امرا و لشکریان که بیش از هزار نفر بودند، به مکه رفت و وصله و هدایای شاه را میان اهل مکه تقسیم کرد (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۴، صص ۳۶۹-۳۶۶).

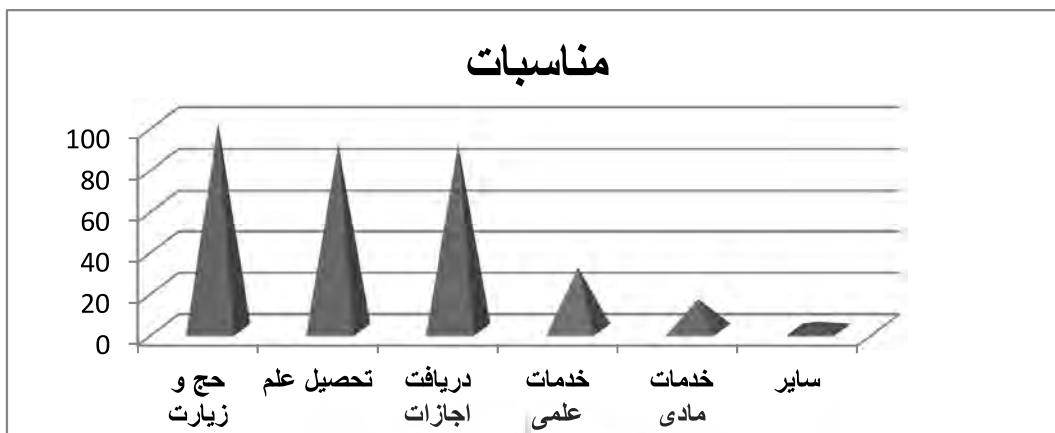
۴. سرپرستی حجاج در مقام امیرالحجاج

وقتی اکبر بن همایون تیموری، شهرها را فتح کرد و به مقام سلطنت رسید، علامه ابوتراب بن کمال حسینی گجراتی (درگذشت: ۱۰۰۳ق) را در ۹۸۹ قمری در مقام امیرالحجاج به مکه فرستاد و پول و خلعت‌های بسیاری به وی داد؛ تا آنجا به اهلس برساند. ایشان هم وظیفه را انجام داد و سال ۹۹۱ق، به هند بازگشت و از آنجا سنگی را که جای پای پیامبر ﷺ بر آن وجود داشت، به عنوان هدیه برای اکبرشاه آورد (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۵، صص ۴۶۷-۴۶۶).

۵. ارجاع آثار علمی، به علمای مکه و مدینه، به منظور داوری

از مناسبات علمای هند با مکه و مدینه، ارجاع برخی امور برای داوری بود. بنا بر گزارش‌های تاریخی، شیخ احمد بن عبدالاحد سرهندی (۱۰۳۴-۹۷۱ ق) به منظور پیشرفت در طریقه نقشبندیه، به مقام والای قطیبه و فردیه رسید و استادش به وی مژده رسیدن به مرتبه تکمیل و ترقی به مدارج عالی و اجازه ارشاد مردم را داد و خرجه خلافت به او پوشانید؛ اما مخالفانش پیش جهانگیر بن اکبرشاه از او سعایت کردند و از این رو، او به مدت سه سال در قلعه کوالیار زندانی شد و پس از آزادی، هشت سال در پادگان تحت نظر قرار گرفت. بعد از مرگ جهانگیر، هرچند فرزندش شاه جهان او را آزاد کرد، اما مخالفانش نوشته‌های او را به عربی برگرداندند و به سید محمد برزنجی از علمای مدینه منوره رسانیدند و او را تکفیر کردند و از قاضی مدینه و مکه و مفتی و علمای آن دو شهر، تکفیر او را خواستار شدند. با این حال، علمای آن دیار درخواست مطالعه کتاب‌های وی را کردند. نورالدین محمد بیگ، نوشته‌های ایشان را از فارسی به عربی ترجمه کرد و پس از مطالعه توسط علما، سوء ظن‌ها برطرف شد و ایشان تبرئه گردید. البته برخی افراد در منازعات این چینی، محکوم شده و دوران محکومیت خود را در مکه یا مدینه گذراندند. در تاریخ محدث شیخ عبدالنبی بن احمد بن عبدالقدوس حنفی کنکوهی، (درگذشت: ۹۹۱ ق) آمده است که وی پس از چند نوبت رفت و آمد به حجاز، مذهب محدثین را برگزید. وقتی به وطن بازگشت، با بیشتر رسوم مشایخ صوفیه مخالفت ورزید و طریقه سلف را تقویت کرد؛ اما با وی مخالفت کردند و از وطن بیرون راندند. وقتی اکبرشاه تیموری، سلطان هند، متوجه ماجرا شد، سال ۹۷۱ ق، صدارت سرزمین هند را به ایشان داد و خودش به یادگیری حدیث نزد او مبادرت ورزید؛ اما با دسیسه فرزندان مبارک، اکبرشاه وی را عزل ساخت و دستور تبعید ایشان را به حرمین شریفین صادر کرد. عبدالنبی پس از مدتی اقامت در مکه، به هند بازگشت و از سلطان طلب عفو کرد؛ اما به نقلی، سلطان، کار او را به ابی‌الفضل بن مبارک ناکوری واگذار کرد. وی نیز عبدالنبی را به قتل رسانید. همین سرنوشت، درباره عبدالله بن شمس‌الدین

انصاری سلطانبوری، مشهور به مخدوم الملک (درگذشت: ۹۹۰ق)، نیز نقل شده است (حسنی طالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، صص ۳۸۰-۳۷۴؛ ج ۵، صص ۴۸۶-۴۷۹).



نتیجه‌گیری

آنچه در این تحقیق به آن دست یافتیم، این است که جامعه هدف این مقاله، با وجود آثار فاخر در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی، بیشتر گرایش حدیثی و صوفیگری داشته‌اند تا علوم عقلی و حکمی. این طیف از اندیشمندان، علاوه بر موضوع حج و زیارت که بر واجدان شرایط، تکلیف شرعی شمرده می‌شود، از نظر علمی، خود را بسیار نیازمند به سفر حرمین شریفین می‌دانستند. لزوم دریافت سند احادیث، اجازه نقل روایت، گرفتن طریقت و خرقة صوفیگری از استادان و... از علل مهم مناسبات علما با حرمین شریفین است.

همچنین در این تحقیق، روشن شد که بسیاری از عالمان مستقر در مکه و مدینه، که مرجع انام بودند، صدور اجازه‌نامه‌ها و اعطای طریقت و خرقة، جزو شئون و وظایف آنان به شمار می‌آمد و برخی از آنان، که در مقام افتا و خطابه در حرمین شریفین و تولید مؤسسات علمی و دینی، تدریس علوم و تربیت شاگردان، نقش آفرینی می‌کردند، همه از هند بودند. بنابر گزارش‌ها، علمای هند با کوشش‌های علمی، تألیف و ترجمه کتاب و تربیت شاگرد، تأثیر بسیاری در غنای علمی مکه و مدینه داشتند.

* قرآن كريم.

١. ابن حنبل، احمد بن حنبل (١٤١٤ق) المسند، تحقيق: عبدالله محمد الدرويش، دار الفكر، بيروت، الطبعة الثانية.
٢. ابن شدقم، ضامن بن شدقم الحسيني المدني، ١٣٧٨ش، تحفة الازهار و زلال الانهار في نسب ابناء الائمة الاطهار، دفتر نشر ميراث مكتوب، تهران، چاپ اول.
٣. ابن ماجه، محمد بن يزيد، ١٣٩٥ق، السنن، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار احياء التراث، الطبعة الاولى.
٤. ابن منور، محمد، ١٣٦٦ش، اسرار التوحيد في مقامات الشيخ ابي سعيد، چاپ محمدرضا شفيعى كدكنى، تهران.
٥. اسكندر بيگك منشى، ١٣٨٢ش، تاريخ عالم آراى عباسى، محقق ايرج افشار، انتشارات اميركبير، تهران.
٦. انصارى، محمد على، ١٤٢٤ق، الموسوعة الفقهية الميسره، نشر مجمع الفكر الاسلامى، قم.
٧. بزاز، احمد بن عمرو المعروف بالبزار، بدأت ١٩٨٨م، وانتهت ٢٠٠٩م، مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، التحقيق عده من المحققين، مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، الطبعة الاولى.
٨. بيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين بن على، ١٤٢٤ق، - ٢٠٠٣م، السنن الكبرى، المحقق: محمد عبدالقادر عطا، دار الكتب العلمية، بيروت لبنان، الطبعة الثالثة.
٩. تهرانى، آقا بزرك، ١٤٠٣ق، الذريعة الى تصانيف الشيعة، بيروت، دار الاضواء.
١٠. جعفرىان، رسول، ١٣٨١ش، مناسبات اصفهان و حجاز، ميقات حج، دوره ١٠، شماره ٣٩
١١. الحسنى الطالبى، عبدالحى بن فخرالدين بن عبدالعلى الحسينى، (١٤٢٠ق)، ١٩٩٩م، الاعلام بمن فى تاريخ الهند من الاعلام المسمى (نزهة الخواطر وبهجة المسامع والنواظر)، دار ابن حزم، بيروت، لبنان، الطبعة الاولى.
١٢. حسيني، غلام على، ١٨٨٥م، سبحة المرجان فى آثار هندوستان، مكتبة الملك فهد الوطنية، الرياض.

۱۳. خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۴۰۹ق / ۱۳۶۸ش، معجم رجال الحدیث، دفتر آیت الله العظمی الخوئی، قم.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ش، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران.
۱۵. سجادی، سیدضیاءالدین، ۱۳۹۳ش، مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، انتشارات سمت، تهران، چاپ نوزدهم.
۱۶. سهروردی، عمر بن محمد، بی تا، عوارف المعارف، محقق: وهبه، توفیق علی وسایح، احمد عبدالرحیم، مکتبه الثقافة الدینیة، مصر، قاهره.
۱۷. شریف رضی، محمد بن الحسین، ۱۳۶۹ش، نهج البلاغة، تحقیق: السید کاظم المحمّدی و محمد الدشتی، انتشارات الامام علی (ع)، قم، الطبعة الثانية.
۱۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۵ش، این کیمیای هستی، مجموعه مقاله ها و یادداشت های استاد دکتر شفیعی کدکنی درباره حافظ، به کوشش ولی الله درودیان، تبریز.
۱۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۲۲ق، منیة المرید فی اداب المفید و المستفید، بوستان کتاب، قم، چاپ پنجم.
۲۰. شیخ صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۸ق، علل الشرائع، بیروت، دار احیاء التراث، الطبعة الاولى.
۲۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، بی تا، المعجم الاوسط، المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد و عبدالمحسن بن ابراهیم الحسینی، دار الحرمین، القاهرة.
۲۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۱۵ق، ۱۹۹۴م، المعجم الکبیر، المحقق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، مکتبه ابن تیمیة، القاهرة، الطبعة الثانية.
۲۳. العیدرّوس، محی الدین عبدالقادر بن شیخ بن عبدالله، ۱۴۰۵ق، النور السافر عن اخبار القرن العاشر، دار الکتب العلمیة، بیروت، الطبعة الاولى.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ۱۴۱۲ق، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة اطهار علیهم السلام، تحقیق و نشر: دار احیاء التراث، بیروت، الطبعة الاولى.
۲۵. محدث دهلوی، عبدالحق بن سیف الدین، ۱۲۸۴ق، اخبار الاخیار فی اسرار الابرار، چاپ دهلی.
۲۶. مرتضوی لنگرودی، محمدحسن، ۱۴۱۲ق، الدرالنضید، نشر انصاریان، قم.

۲۷. مرکز تحقیقات حج، ۱۳۷۵ش، «الرحله الحجازیه» فصلنامه میقات حج، نشر مشعر، شماره ۱۶، تابستان.
۲۸. مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ق، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۹. مقدادی، محمدعلی، ۱۳۷۱ش، «از هندوستان تا حریم یار» (سیری در سفرنامه حج مرحوم صاحب عبات الانوار علامه میر حامد حسین هندی)، میقات حج، شماره ۱۴، زمستان.
۳۰. مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷ش، فرهنگ فقه فارسی، نشر مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، قم.
۳۱. میر سید حامد حسین، ۱۳۶۶ش، عبات الانوار فی امامة الائمة الاطهار، کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام، اصفهان، چاپ دوم.
۳۲. مینورسکی، ولادیمیر، ۱۳۷۸ش، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه تذکرة الملوک، ترجمه مسعود رجب نیا فهارس و مقدمه محمد دبیر سیاقی، انتشارات امیر کبیر، تهران.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني